

امتحانات شفاهی به مدارس بازمی‌گردد

می‌ایستادیم جلوی تخته کلاس، رو به همه همکلاسی‌ها تا معلم، ما را با چند سوال بیازماید.



ما، استادیم حله، تخته کلاس، همه همکلاس‌ها تا معلم، ما را با چند سوال بیازماید. اگر درس خوانده بودیم و به موضوعات تسلط داشتیم، رفتن پای تخته و شفاهی امتحان دادن مایه سربلندی بود، ولی اگر درس نخوانده بودیم، حتی اگر معلم پای تخته صدایمان نمی‌کرد و برای امتحان دادن پشت همان نیمکتی که نشسته بودیم، سرپا می‌ایستادیم باز هم به کم شدن دلهره مان کمکی نمی‌کرد.

بعضی از ما قدرت کلام و استدلال خوبی داشتیم و به هر سوال معلم، بهترین جواب را می‌دادیم و تشویقی که از او می‌گرفتیم، برای درس خواندن بیشتر ترغیبمان می‌کرد. بعضی از ما اما چنین قدرتی نداشتیم و وقتی قرار بود به سوالی، پاسخ شفاهی بدهیم، تنه پته کنان و دستپاچه، چند جمله نامفهوم به هم می‌بافتیم و با دست‌هایی سرد و رنگ و رویی زرد، سر را به نشانه شرم پایین می‌انداختیم و چه بد بود، حس گرفتن یک نمره منفی که امتحان شفاهی را پیش چشمان غول می‌کرد.

این وضع حالا هم وجود دارد، هنوز هم امتحان شفاهی برای عده‌ای فرصتی برای به نمایش درآوردن توانایی هاست و برای عده‌ای آزمونی که بسختی می‌گذرد و مایه خجالت فرد پیش چشم همکلاسی هاست.

با این حال آموزش و پرورش قصد کرده از مهری که در پیش است (مهر 93) امتحانات شفاهی را در مقاطع ابتدایی و متوسطه احیا کند تا شیوه‌های ارزشیابی دانش آموزان و راه‌های سنجش پیشرفت تحصیلی آنها تنوع داشته باشد.

کمبود زمان، چالش امتحان شفاهی

از زمانی که نظام 3-3-6 در کشور مستقر شد، یعنی نظام آموزشی به دو دوره ابتدایی و متوسطه تقسیم شد و دوره راهنمایی کنار رفت، کتاب‌های درسی نیز تغییر کرد تا محتوای آن متناسب با برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد.

همین موضوع باعث شد کتاب‌هایی با حجم بیشتر از قبل تالیف شود و مفاهیم پیچیده‌تری به کتاب‌های درسی راه یابد. این در حالی بود که استقرار این نظام همزمان بود با تعطیلی روزهای پنجشنبه مدارس در هر دو مقطع که زمان آموزشی را محدود می‌کرد. البته برای جبران تعطیلی پنجشنبه‌ها به ساعات آموزشی در طول هفته اضافه شد که این اقدام نیز به فشردگی کلاس‌ها و خستگی مضاعف معلم و دانش‌آموز انجامید.

به هر حال این سلسله اتفاقات باعث شد برخلاف گذشته - که چند جلسه پایان سال تحصیلی به مرور کتاب‌های درسی و رفع اشکال اختصاص می‌یافت - سال تحصیلی برای معلمان و دانش‌آموزان به سالی پرکار و متراکم مبدل شود که در آن کمتر مجال آزمون‌های شفاهی دست می‌داد.

این موضوع را صادق خرازی، کارشناس آموزش و پرورش نیز در گفت‌وگو با جام جم تأیید می‌کند و درباره حسن‌های شیوه ارزشیابی شفاهی می‌گوید، روش‌های شفاهی توانایی سخن‌گفتن روان و مناسب در برابر جمع را بالا می‌برد و طی آن دانش‌آموز می‌تواند افکار و اندیشه‌های خود را در قالب گفتار بیان کند و از لاک کمرویی بیرون بیاید، ولی تأکید می‌کند کمبود وقت مانع اصلی اجرای این شیوه در مدارس است.

امتحان کتبی، آزمونی پرترفدار

برخی طرفدار محض آزمون‌های شفاهی اند، مثل کسانی که کلام روانی دارند و نوشتن برایشان کار سختی است و برخی طرفدار محض آزمون‌های کتبی اند چون شفاهی پاسخ دادن به سوالات را موجب برهم خوردن تمرکز می‌دانند و معتقدند اگر دانسته‌ها روی کاغذ نوشته شود، نتیجه بهتری خواهد داشت. این دو گروه البته هر کدام به بخشی از مزایای آزمون‌های شفاهی و کتبی اشاره می‌کنند که در جای خود استدلال‌های درستی است، ولی موضوع این است که به صورت تام حق نه با گروه اول است، نه با گروه دوم.

در آزمون شفاهی معلم می‌تواند از هر دانش‌آموز یک سوال کند و با این کار، موضوعات درسی را در کلاس برای همه دانش‌آموزان جا بیندازد. معلم می‌تواند این کار را به صورت کتبی نیز انجام دهد و به هر دانش‌آموز یک سوال ویژه بدهد که برخلاف روش قبل، دانش‌آموزان از پاسخ درست سوالات مطلع نمی‌شوند. البته دادن یک سوال به هر دانش‌آموز به صورت کتبی در مدارس مرسوم نیست و معلمان ترجیح می‌دهند مجموعه‌ای از سوالات مشترک را به همه دانش‌آموزان ارائه دهند و تفاوتی میان آنها قائل نشوند.

این موضوع تفاوت شیوه‌های ارزشیابی شفاهی و کتبی را نشان می‌دهد که رو آوردن به هر کدام، مجموعه‌ای از مزایا و معایب را ایجاد می‌کند. صادق خرازی، کارشناس آموزش و پرورش می‌گوید محدودیت آزمون شفاهی این است که قضاوت درباره پاسخ دانش‌آموز به منعطف یا سختگیر بودن معلم بستگی دارد؛ یعنی این که او عین کلمات کتاب را بخواهد یا رساندن مفهوم توسط دانش‌آموز برایش کافی باشد. همچنین آزمون شفاهی زمان زیادی نیاز دارد و معلم پس از چند پرسش خسته

می شود در حالی که برای امتحانات کتبی زمانی مشخص تعیین می شود و در این مدت همه دانش آموزان سنجش می شوند. به گفته او ایراد دیگر روش شفاهی این است که توزیع پرسش ها میان دانش آموزان عادلانه نیست یعنی ممکن است از برخی دانش آموزان سوالات پیچیده تری پرسیده شود و از عده ای دیگر سوالات ساده تر. این در شرایطی است که چون تعداد سوالات محدود است، اگر قرار باشد از همه دانش آموزان آزمون شفاهی گرفته شود، افرادی که در پایان از آنها پرسش می شود به علت تکرار مباحث، آنها را یاد گرفته اند و مسلط تر از نفرات اول پاسخ می دهند.

به گفته این کارشناس در روش شفاهی، فرصت پاسخگویی، فکر کردن و یادآوری مطالب نیز اندک است و دانش آموز را دچار اضطراب می کند؛ مخصوصا دانش آموزانی که لکنت زبان و مشکلات گفتاری دارند.

شاید این استدلال ها برای روی آوردن به آزمون های کتبی کافی باشد. چنانچه به نظر می رسد این آزمون ها همچنان پرتعدادتر از نوع شفاهی آن هستند. در واقع آزمون کتبی محاسنی انکار نشدنی دارد؛ ازجمله این که چون دانش آموزان می دانند در چه تاریخی امتحان دارند خود را برای آن آماده می کنند، در حالی که در آزمون های شفاهی ممکن است افراد غافلگیر شوند. به این ترتیب، امتحان کتبی دانش آموزان را وادار به مرور درس می کند، در حالی که آزمون شفاهی چنین قدرتی ندارد، مگر این که معلم کلاس شیوه اش این باشد که از همه به صورت شفاهی آزمون بگیرد.

حسن دیگر آزمون های کتبی به قدرت ذهن انسان ها مربوط می شود. مغز ما قادر است در عین حال که روی موضوعی تمرکز می کند، به صورت ناخودآگاه، موضوعی دیگر را نیز پردازش کند. به این ترتیب اگر مثلا مشغول پاسخ دادن به سوال شماره 4 هستیم، پاسخ سوال قبل از آن را که فراموش کرده بودیم، به یاد بیاوریم.

کتبی ها بی عیب نیستند

هر چه از محاسن آزمون های کتبی بگوییم، دل افراد بی علاقه به نوشتن که شفاهی پاسخ دادن را ترجیح می دهند، نرم نمی شود. این افراد بیشتر دست روی معایب روش کتبی می گذارند که برخی از عیوبی را که می شمارند نیز بیراه نیست. در مقاله ای که دکتر غلامعلی احمدی از کارشناسان نظام آموزشی درباره ارزشیابی از طریق آزمون کتبی نوشته، به برخی محدودیت های ارزشیابی کتبی اشاره شده؛ روشی که او نامش را ارزشیابی تشریحی یا انشایی گذاشته است.

این کارشناس، وارد شدن قضاوت و سلیقه معلم در تصحیح برگه امتحانی را ازجمله دشواری های روش کتبی می داند، همچنین وقت گیر بودن تصحیح اوراق، بویژه در کلاس هایی که تعداد دانش آموزان زیاد است. ضعف قدرت نگارش برخی دانش آموزان که نمی توانند دانسته های خود را بروشنی بنویسند نیز ازجمله معایبی است که این کارشناس به آن اشاره دارد، ضمن این که از دید او آزمون های کتبی فقط می تواند بخشی از دانسته های دانش آموزان را مورد سنجش قرار دهد.

تلفیق کتبی و شفاهی زیباست

مزایا و محاسن آزمون های کتبی و شفاهی را که در دو کفه ترازو بگذاریم وزنی تقریبا برابر دارد. به همین علت است که افراد خیره تلفیق این دو روش را می پسندند. خرازی، کارشناس آموزش و پرورش به جام جم می گوید: شیوه ارزشیابی معلومات دانش آموزان در هر درسی باید متفاوت باشد؛ مثلا درس ادبیات فارسی یا زبان های خارجی نیاز دارد هم به صورت شفاهی و هم کتبی در آن آزمون برگزار شود، ولی درس هایی مثل ریاضی یا فیزیک می طلبد دانش آموزان در آن به صورت کتبی سنجیده شوند.

این موضوع را معصومه قیاسی از معلمان نمونه دوره ابتدایی نیز تأیید می کند. او در گفت و گو با جام جم توضیح می دهد آموخته های دانش آموزان را نمی شود فقط از طریق یکی از روش های شفاهی و کتبی سنجید، بلکه نیاز است همه دانش آموزان با این دو شیوه ارزشیابی شوند. او البته می گوید ارزشیابی توصیفی که چند سالی است در دوره ابتدایی جای نمره را گرفته، این حسن را دارد که هر دانش آموز را از بدو ورود به کلاس مورد سنجش قرار می دهد و توانایی ها و قابلیت های او و نیز ویژگی های رفتاری، اخلاقی و عملکردی اش را از زوایای مختلف بررسی می کند. با این حال از نگاه این معلم، ارزشیابی شفاهی و کتبی باید در کنار هم وجود داشته باشد، ضمن این که انجام کارهای گروهی و آزمون دانش آموزان در قالب کارهای جمعی نیز می تواند روشی مطلوب برای سنجش باشد.

دانش آموزان را باید استاندارد آزمون

امتحان سخت سخت یا آزمون آسان آسان هر دو روشی غلط برای آزمون است. طراحی سوال نوعی تخصص است که اگرچه ابتدای راه آسان به نظر می رسد، ولی کاری است که نیاز به مهارت دارد و لازمه اش دانستن چند نکته مهم است.

یک آزمون کتبی استاندارد، اهداف سوالاتش مشخص است به طوری که قصد گنج کردن آزمون شوندگان را ندارد. همچنین موضوعات مهم در آن مطرح می شود تا از این طریق معلم میزان تسلط دانش آموزان بر موضوعات اصلی کتاب درسی را ارزیابی کند، اگر به این مساله توجه شود آن وقت دیگر سوالاتی که در آن کلماتی مثل چه کسی، کجا و چه زمانی به کار رفته یعنی سوالاتی که مسائل جزئی و کم اهمیت را مطرح می کند به آزمون ها راه نمی یابد. سوالات کتبی باید از نظر نگارشی و رسم الخط نیز درست باشد تا خواندن و درک آن برای همه دانش آموزان میسر باشد. در آزمون های کتبی، سوالاتی که به پاسخ کوتاه نیاز دارد بر سوالاتی که پاسخ آنها بلند است، ترجیح دارد چون وقتی سوالات کوتاه باشد می توان تعداد پرسش ها را افزایش داد.

طرح چند سوال و دادن حق انتخاب به دانش آموزان برای گلچین کردن سوالاتی که قصد پاسخ به آنها را دارند نیز آزمون را از راه درست منحرف می کند چون در این صورت امکان مقایسه عملکرد دانش آموزان در هر سوال از میان می رود. زمان در نظر

گرفته شده برای آزمون نیز باید منطقی و کافی باشد تا دانش آموز یک فرصت برای فکر کردن و یک فرصت برای نوشتن داشته باشد. البته نکته مهم این است که آزمون های کتبی در همه موارد نباید به کار گرفته شود بلکه در زمان هایی که معلم قصد سنجیدن سطوح بالاتری از یادگیری مثل تجزیه و تحلیل را دارد باید از روش کتبی استفاده کرد. شرط موفق بودن سنجش تجزیه و تحلیل دانش آموزان نیز این است که از آنها بخواهیم درباره تحلیلی که دارند توضیح بدهند و عقاید شخصی شان را با دلیل و سند مطرح کنند.

مریم خباز / گروه جامعه